

# فریب در ازدواج (تدلیس در نکاح)

عقد نکاح یا پیمان زناشویی ([ازدواج](#)) عبارت است از: توافق يك زن و مرد جهت ایجاد زندگی مشترك و تشکیل خانواده. طبق ماده ۱۱۰۲ قانون مدنی ایران، همین که [نکاح](#) به طور صحیح واقع شد، روابط زوجیت بین طرفین موجود و حقوق و تکالیف زوجین از قبیل، مهر، نفقه، حسن برخورد و معاشرت و تمکین در مقابل یکدیگر برقرار می‌شود. ازدواج بر پایه شخصیت، اوصاف، ویژگی‌ها و صفات مشترك بین طرفین محقق می‌شود. به عبارتی دیگر، فلسفه ازدواج مبتنی بر شخصیت وجودی طرفین است نه وضعیت مادی یکدیگر. عقد نکاح به عنوان تشکیل‌دهنده بنیان خانواده، باید بر اساس صداقت زن و شوهر ایجاد شود. اما گاهی طرفین عقد یادشده صداقت را فراموش کرده، با کتمان واقعیت به انعقاد آن اقدام می‌کنند که از آن به [تدلیس](#) تعبیر می‌شود که روزبه‌روز هم میزان ارتکاب و مصادیق آن افزایش می‌یابد.

تدلیس در مفهوم لغوی به معنای فریبکاری کردن، فریب دادن، پنهان کردن عیب چیزی است. در اصطلاح حقوقی طبق ماده ۴۳۸ قانون مدنی عبارت است از: عملیاتی که موجب فریب طرف معامله شود. تدلیس به معنای فریب و نیرنگ یکی از موارد مطرح در فروپاشی قراردادهاست. از این رو در قانون مدنی موضوع آن تبیین شده است و گرچه در مواد بعدی تدلیس در عقد بیع مطرح شده است، اما از جهت آثار تدلیس در عقود، مختص فقط عقد بیع نیست و در هر قراردادی که تدلیس يك طرف اثبات شود، طرف مقابل حق فسخ عقد را خواهد داشت. (ماده ۴۵۶ قانون مدنی) وفق ماده ۱۱۲۸ قانون مدنی، هرگاه در یکی از طرفین صفت خاصی شرط شده و بعد از عقد معلوم شود که طرف مذکور فاقد وصف مقصود بوده برای طرف مقابل حق فسخ خواهد بود خواه وصف مذکور در عقد تصریح شده یا عقد متبایناً بر آن واقع شده باشد. بدین معنی که هرگاه زن و شوهر به‌طور ضمنی یا صریح صفتی را در یکی از همسران شرط کند، نبودن آن صفت در او، برای طرف مقابل ایجاد حق فسخ می‌کند. علاوه بر مورد فوق در ماده ۱۱۲۸ برخی از مواردی که به موجب آن امکان فسخ نکاح وجود دارد در مواد ۱۱۲۱ و ۱۱۲۲ و ۱۱۲۳ قانون مدنی بیان شده است که شامل موارد ذیل می‌شود: جنون هر يك از زوجین به شرط استقرار اعم از اینکه مستمر یا ادواری باشد برای طرف مقابل موجب حق فسخ است.

عیوبی که در مرد موجب حق فسخ برای زن خواهد بود: 1) خصاء 2) عنن به شرط اینکه ولو يك بار عمل زناشویی را انجام نداده باشد. 3) مقطوع بودن آلت تناسلی به اندازه‌ای که قادر به عمل زناشویی نباشد. عیوبی که در زن موجب حق فسخ برای مرد خواهد بود: 1) قرن 2) جذام 3) برص 4) افضاء 5) زمین‌گیری 6) نابینایی از هر دو چشم

**در صورتی تدلیس تحقق می‌یابد که دارای دو عنصر باشد: مادی و معنوی**

۱- عنصر مادی: باید عملیاتی انجام شود که عیبی را بپوشاند یا وجود صفتی را که مورد نظر طرف عقد است در دیگری وانمود کند خواه به وسیله نوشته یا لفظ باشد (مانند توصیف دروغ) یا انجام کارهای خدعه‌آمیز (مانند ارایه گواهی جعلی)

تشخیص عملیاتی که تدلیس به شمار می‌رود با عرف است.

۲- عنصر معنوی: اعمالی که انجام می‌شود باید ارادی و به عمد باشد و به قصد فریب طرف انجام شود، در این باره قانون مدنی حکمی ندارد ولی بدیهی است که مفهوم فریب دادن جز به عمد تحقیق نمی‌یابد.

**مجازات کیفری تدلیس در ازدواج**

فریب در ازدواج با شرط اینکه صفت خاصی در شخص مقابل شرط شده باشد یا در فرض عدم صراحت، عقد بر مبنای آن واقع شده باشد هم فسخ نکاح خواهد بود و هم از بعد کیفری جرم و دارای مجازات است. طبق ماده ۶۴۷ قانون مجازات اسلامی؛ چنانچه هر یک از زوجین قبل از عقد ازدواج طرف خود را به امور واهی از قبیل داشتن تحصیلات عالی، تمکن مالی، موقعیت اجتماعی، شغل و سمت خاص، تجرد و امثال آن فریب دهد و عقد بر مبنای هر یک از آنها واقع شود مرتکب به حبس تعزیری از شش ماه تا دو سال محکوم می‌شود. مصادیق ذکر شده برای امور واهی در این ماده جنبه تمثیلی دارد، به عبارتی هر امری که موجب فریب دیگری شود حتی اگر از موارد مذکور در این ماده نباشد را شامل می‌شود، لذا عرف در این مورد تشخیص‌دهنده است مانند اینکه فردی بر خلاف واقع خود را دارای ثروت و مقام بالا معرفی کند.

**اگر زوجه در روند ازدواج مرتکب تدلیس شده باشد و نکاح فسخ شود، تکلیف مهریه چیست؟**

زوجه‌ای که با فریب موجبات عقد ازدواج را فراهم آورد به موجب ماده 1101 قانون مدنی چه نزدیکی میان زن و شوهر واقع شده باشد چه نشده باشد، حق مهر ندارد زیرا با تقلب حقی به دست نمی‌آید. بر اساس اصول کلی حقوق و قواعد مسوولیت مدنی از آثار فریب در ازدواج توسط هر یک از زوجین می‌توان به امکان مطالبه خسارت اشاره نمود، به عبارت دیگر فریب‌خورده می‌تواند طبق قواعد مسوولیت مدنی از کسی که مرتکب تدلیس در نکاح شده است مطالبه خسارت کند اعم از اینکه تدلیس‌کننده یکی از زوجین یا شخص ثالثی باشد.

